

مرد عصبانی مادرش را از بالکن به خیابان پرت کرد

مرد میانسال که قرار بود از [مادر](#) پیرش نگهداری کند بعد از 2 هفته به خاطر عصبانیت و درگیری او را از بالکن طبقه پنجم خانه‌اش به پایین انداخت.

یازدهم فروردین امسال گزارش سقوط زن 78 ساله‌ای از بالکن خانه‌اش به پلیس بندرانزلی اعلام شد و دقایقی بعد بازپرس محمد نوعی و تیم بررسی صحنه جرم راهی محل شدند. با حضور در محل آنها با پیرزنی مواجه شدند که لباسهای خانه به تن داشت.

پیرزن از بالکن طبقه پنجم سقوط کرده بود و به دنبال این حادثه پسر پیرزن که بعد از این حادثه بلافاصله از ساختمان بیرون آمده و بالای جسد مادرش حضور داشت در تحقیقات گفت: من با مادرم زندگی و از او نگهداری می‌کنم. مادرم داخل آپارتمان بود اما نمی‌دانم چه شد که از تراس به پایین افتاد، فکر می‌کنم به عمد این کار را کرد و به زندگی‌اش پایان داد.

فرضیه قتل

در حالی که طبق اظهارات مرد میانسال این طور به نظر می‌رسید که پیرزن خودش چنین سرنوشتی را رقم زده است اما در بررسی‌های میدانی، موضوعی توجه بازپرس جنایی را به خود جلب کرد. در تحقیق از همسایه‌ها، آنها مدعی شدند که پیرزن همیشه در خانه هم روسری به سر داشته است. ولی جسدی که آنها مشاهده می‌کردند بدون روسری بود. همین موضوع باعث شد تا بازپرس جنایی دستور بازرسی از خانه پیرزن را صادر کند.

زمانی که تیم تحقیق وارد خانه او شدند، آثار خون روی طاقچه خانه؛ احتمال جنایت را پررنگ‌تر می‌کرد.

بدین ترتیب بازپرس پرونده، دستور تحقیقات گسترده‌تر را صادر کرد. در ادامه مأموران در تحقیقات میدانی به مرد دستفروشی رسیدند که سرخ مهمی در اختیار مأموران قرار داد.

مرد میوه فروش در تحقیقات گفت: زمانی که این اتفاق افتاد، من آن طرف خیابان مقابل خانه پیرزن بودم. ناگهان متوجه شدم چیزی در حال سقوط است وقتی خوب نگاه کردم پیرزن را دیدم که به زمین افتاد اما سرم را که بالا بردم داخل تراس مردی را دیدم که ایستاده است اما بلافاصله خودش را از من مخفی کرد و به داخل آپارتمان رفت. من

تقریباً یک سایه دیدم و البته تمام این اتفاقات در کمتر از چند لحظه رخ داد.

با اظهارات فروشنده و مدارکی که به دست آمده بود، احتمال خودکشی یا سقوط بر اثر حادثه رنگ باخت و فرضیه قتل قوت گرفت. تیم جنایی مجدد تحقیقات را از پسر پیرزن انجام داد. گرچه او باز هم منکر ماجرا بود، گفت: به همراه خانواده‌ام در شهر دیگری زندگی می‌کنم و با برادرم به صورت شیفته از مادرم نگهداری می‌کردیم. پانزده روزی بود که به خاطر تعطیلات ایام عید به خانه مادرم آمده و مراقب او بودم. روز حادثه از او خواستم به حمام برود. اما مادرم بهانه آورد و گفت الان حوصله ندارم. سر حمام و موارد دیگر شروع به بحث کردیم. از دست کارهای مادرم خسته شده بودم، اما دلم نمی‌خواست به او آسیبی بزنم. نمی‌دانم چه شد که یک دفعه خیلی عصبانی شدم. اصلاً متوجه نبودم چکار می‌کنم، چاقو را برداشتم و به سمت مادرم حمله کردم که دستش زخمی شد. مادرم در حالی که به سمت تراس می‌رفت تا از مردم کمک بخواهد، دستش را به طاقچه زد که طاقچه کمی خونی شد. مادرم به سمت تراس رفت، از ترس اینکه داد و فریاد کند و همسایه‌ها متوجه شوند او را هل دادم که ناگهان مادرم از تراس به پایین افتاد. من سعی داشتم با این سناریو، مرگ مادرم را خودکشی یا حادثه نشان دهم و راز این قتل را مخفی نگه دارم.

به دنبال اعتراف متهم، وی به دستور بازپرس شعبه سوم دادسرای عمومی و انقلاب بندر انزلی روانه زندان شد و تحقیقات در این خصوص ادامه دارد.